

مسئله‌ی کرد در تبیین‌های پرخاشگری

انور نویدیان
کارشناس علوم تربیتی

مقدمه

آنتونی استور^۱: «معمولاً نمونه‌های وحشیگری و بی‌رحمی انسان را حیوانی می‌خوانیم، منظور ما از استعمال این صفات این است که اینگونه رفتار ویژه حیواناتی است که تکامل کمتری از ما دارند، لیکن در واقع سبانه‌ترین رفتار ویژه‌ی انسان است. و رفتار وحشیانه‌ی ما نسبت به همدیگر در طبیعت نظیری ندارد. حقیقت غم‌انگیز این است که ما وحشیانه‌ترین و بی‌رحمترین گونه‌ای هستیم که از ابتدا بر روی کره‌ی زمین به حرکت در آمده است و با این که امکان دارد از خواندن روزنامه و کتاب تاریخ درباره‌ی شقاوت‌هایی که انسان بر انسان روا می‌دارد وحشت کنیم، در ضمیر خود می‌دانیم که هر یک از ما همان جوشش‌های وحشیانه را که منجر به مرگ و جنگ می‌شوند در خود پرورش می‌دهیم» (اروستون، ۱۳۷۵، ۱۶۵).

حادثه‌ی یازده‌ی سپتامبر را هیچ کس فراموش نکرده با هزاران قربانی، حادثه‌ی مسکو و قتل و عام کودکان همچنین، دارفور نامی که با خشونت علیه انسان تداعی می‌گردد، جنگ و شورش سیاهپوستان واتس^۲ و دیترویت^۳ آمریکا هم، کردها ملتی که در طول تاریخ قربانی پرخاشگری^۴ اقوام همسایه بوده است، و... . انسان در طول تاریخ زندگی خود با پرخاشگری دست و پنجه نرم کرده و عصری نبوده که بدون خونریزی سپری شده باشد، حتی این عصر اصطلاحاً مدرن، تا جایی که یکی از علمای^۵ اجتماعی معاصر گفته است: «عصر ما عصر پرخاشگری است».

پرخاشگری و انواع آن

پرخاشگری رفتاری را در برمی‌گیرد که هدف آن آسیب رساندن به افراد است، برای دستیابی به

- 1-Anthony storr
- 2-Watts
- 3-Detroit
- 4-Aggression
- 5-Aliot Aronson

هدفی یا از بین بردن دیگری (هیلگارد^۱، ۱۹۰۴). در تعریفی دیگر: پرخاشگری رفتاری است که عموماً زدن، کتک کاری و دعوا را شامل شده که در بطن خود با نوعی کینه همراه است (ربر، ۱۳۷۸^۲). آلفرد آدلر^۳ در این باره می گوید: «پرخاشگری رفتاری است برای بروز دادن خواست قدرت با آرزوی کنترل دیگران و نابودی موانع در برابر موقعیتها و موجودات ناکام کننده» (اروستون، ۱۳۷۵، ۱۷۰).

رفتار پرخاشگرانه مانند سایر مفهوماها دارای دو گونه می باشد چنانچه صاحب نظران بیان می کنند گونه ای رفتار پرخاشگرانه که معمولاً از هدف آزار رساندن و نابودی دیگران ناشی می شود به عنوان پرخاشگری دشمنانه مورد بحث قرار گرفته است (رال و سندال^۴، ۱۹۷۴ و برکوتیز^۵، ۱۹۸۴، ۱۹۸۹ به نقل از بدار و لوک لمانس، ۱۳۷۸، ۲۲۰).

گونه ای دوم رفتار پرخاشگرانه رفتاری است به هدف دستیابی به آنچه که انسان یا شیئی مانع رسیدن به آن می باشد که در این صورت از پرخاشگری ابزاری یا وسیله ای صحبت می شود (رال و سندال، ۱۹۷۴، برکوتیز، ۱۹۸۴، ۱۹۸۹ به نقل از بدار و لوک لمانس، ۱۳۷۸، ۲۲۰).

تبیین های مختلف از پرخاشگری

الف: تبیین فیزیولوژیک: این تبیین وجود آسیب های مغزی در انسان را توجیه می کند و همچنین پرخاشگران را انسان هایی می داند که هورمون تستوسترون را به نسبت انسانهای دیگر بیشتر تولید می کند. در ادامه اثری بودن پرخاشگری را بیان می کند و پرخاشگری انسان در مقابل انسان را تفسیر می کند.

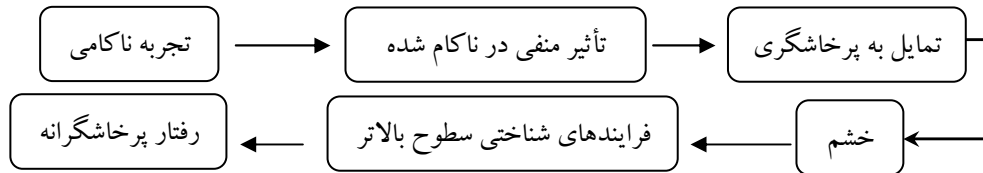
ب: تبیین روانکاوانه: این تبیین ریشه در تئوری فروید دارد که براساس آن سابق مرگ^۶ انسان را وادار می کند که به جان هم افتاده و هم نوعان خود را به نابودی و نیستی می کشاند. در مقابل سابق زندگی^۷ انسان را به سوی صلح و آرامش انسان سوق داده و همکاری و تعاون و انسان دوستی را تبلیغ کرده تا انسانها در کنار هم به زندگی مسالمت آمیز پردازند.

ج: تبیین کردارشناسانه: کردارشناسان با مطالعه ی موجودات و انسانها در محیط طبیعی خود و در وضعیت عادی به تفسیر رفتار موجودات می پردازند این کردارشناسان پرخاشگری را به عنوان موضوعی عزیزی

- 1-Hilgard
- 2-Arthurs.reber
- 3-Alferd Adler
- 4-Rule and Nesdule
- 5-Leonard Berkowitz
- 6-Ethologist
- 7-Frustration

در نظر می‌گیرند و آن را پتانسیلی در درون انسان‌ها فرض کرده که قربانیان پرخاشگری بدون اینکه بفهمند که چه عملی انجام داده‌اند مورد حمله این پتانسیل قرار می‌گیرند.

د: تبیین از طریق ناکامی - پرخاشگری: در این تئوری بعضی از اقوام در طول تاریخ به صورت عمدی یا غیرعمدی مانع رسیدن دیگر اقوام به هدفشان می‌شوند، در این شرایط اقوام مانع با پرخاشگری طرف مقابل روبرو شده که جزء قتل و کشتار و نتیجه‌ی دیگری ندارد.



ه: تبیین به شیوه‌ی یادگیری مشاهده‌ای: آلبرت بندورا^۲ معتقد است که تعداد زیادی از یادگیری‌های انسان توسط الگوبرداری و مشاهده رفتار دیگران و دیدن نتایج و عواقب آن صورت می‌گیرد. مثلاً یک فوتبالیست خوب بازی می‌کند در نتیجه هم طرفداران زیادی پیدا می‌کند و در تیم‌های مهم به بازی گرفته می‌شود، از این الگو بچه‌ها هم سود برده در مدرسه سعی می‌کنند به خوبی فوتبال بازی کنند تا از اطراف دوستان و مربی ورزش مقبولیت بیابند. پرخاشگری هم در این تبیین از طریق مشاهده کردن الگوهای خشن و یا در سطحی کلان الگوهای دیکتاتوری حکومتها یاد گرفته شده و به عنوان روشی که دیگران از آن طریق موفق به سرکوب ملت‌ها شده‌اند توسط دیگر حکومتها به کار برده می‌شوند. در این تبیین آنچه که بیشتر اهمیت دارد نتایج پرخاشگری است یعنی سرکوب، وقتی که دولت‌های موفق به کنترل وضعیت موجود شده‌اند با مشاهده راهکارهای آنها، دیگران نیز ترغیب می‌شوند که به همان اعمال دست بزنند تا آرامش را به کشور بازگردانند.

مسئله‌ی کرد در تبیین‌های پرخاشگری

چون مسئله‌ی کرد در خاورمیانه از اهمیت و گستردگی زیادی برخوردار بوده و با سرنوشت تقریباً چهل میلیون انسان ارتباط دارد از دیدگاه‌های مختلف توسط روشنفکران کرد غیرکرد موردتحلیل قرار گرفته است.

بنابر مقدمه‌ای که در رابطه با پرخاشگری و تبیین‌ها و انواع آن بیان شد می‌توان به تحلیل و تفسیر

جریان زندگی ملتی که در طول تاریخ به هدف سرکوب و استفاده ابزاری مورد پرخاشگری کشورهای منطقه قرار گرفته است، پرداخت.

باتوجه به انواع پرخاشگری که قبلاً مطرح شد به دلیل انجام اعمال خشونت آمیز مانند ایجاد محدودیت‌های فرهنگی - تبعیض قومی - قتل و کشتار دسته‌جمعی یا انفال - انکار هویت کردی در رسانه‌ها - تبلیغ ترک بودن کردها - تصویب قوانین به ضرر کردها - برچسب عربی بودن و فارسی بودن کردها - عدم اجازه به کردها برای شرکت در انتخابات کاملاً آزاد و عدم بکارگیری کردها در پستهای ریاست جمهوری و هیأت وزیران در حکومت‌های منطقه و... می‌توان مدعی شد پرخاشگری علیه کردها از نوع پرخاشگری خصمانه می‌باشد.

از تبیین‌هایی که مورد بحث قرار گرفته است مسئله‌ی کرد را می‌توان باتوجه به تبیین‌های روانکاوانه و ناکامی - پرخاشگری و همچنین یادگیری کنشگر و مشاهده به بحث گذاشت.

با توجه به تبیین روانکاوانه غریزه مرگ یا سابق مرگ اقوام همسایه کردها را در برابر کردها قرار می‌دهد. این غریزه در برابر غریزه زندگی که اقوام مختلف را به همزیستی و تداوم زندگی بدون خشونت با هم سوق می‌دهد موجب بروز جنگ‌های خونین میان ملت کرد و سایر ملل شده است. غریزه مرگ که ریشه در حیوانیت انسان دارد با ستم و بی‌عدالتی و همچنین خودبینی انسان تداعی می‌گردد، خودبینی که موجب بوجود آمدن حس خودبرتتری و دیگری را پست فرض کردن می‌شود. در کشور ترکیه، ترک‌ها دچار خودبینی شدیدی شده‌اند تا آنجا که حتی حاضر نیستند بپذیرند ملتی دیگر به جز ملت ترک در کشور مذکور وجود دارد تا جایی که عنوان «ترک کوهی» را برای کردها بکار می‌بردند. و یا در همین سالها سیاستمداران ترکیه ابراز داشته‌اند ترک و کرد از لحاظ نژادی با هم کاملاً ترکیب شده‌اند و ملت مشخصی به نام کرد در کشور وجود ندارد.

با توجه به نظر کردارشناسان پرخاشگری پتانسیلی است که در صورت داشتن شرایط مناسب بروز می‌کند، در شرایطی که ملت کرد فقط از حقوق خود دفاع کرده است و نسبت به هیچ ملتی در خاورمیانه دست به تجاوز نزده مورد حمله و تجاوز کشورهای منطقه قرار گرفته است، برای نمونه جنبش ملت کرد در ترکیه و عراق ... تنها جهت دفاع از حق مشروع و انسانی خود و تعیین سرنوشت خود اعلام موجودیت کرد، مورد شدیدترین و ناانسانی‌ترین تجاوزات به حقوق ملی و انسانی قرار می‌گیرد. شاید اقوام منطقه دلیل موجهی برای اعمال پرخاشگرانه‌ی خود داشته باشند اما در حقیقت بدون دلیل منطقی دست به این اعمال پرخاشگرانه‌ی خصمانه زده‌اند.

در تبیین ناکامی - پرخاشگری برخی از ملت‌ها موجب ناکامی ملت‌های در رسیدن به اهدافشان می‌شوند، چون حکومت‌های منطقه در پی یکپارچه کردن تمام اقلیت‌ها در درون یک سیستم حکومتی تک‌ساختی هستند و ملت کرد که هیچ سودی را در این پروسه نمی‌بیند پیوسته و در طول تاریخ در برابر این پروژه مقاومت کرده‌اند، سرانجام دولت‌های مذکور هم در مقابل به اعمال پرخاشگرانه پرداخته‌اند، در عراق نمونه‌هایی پرخاشگری بارزی در زمان حکومت دیکتاتوری بعثی‌ها به چشم می‌خورد مانند سر به نیست کردن ملت کرد (انفال) - سرکوب احزاب کردی و همچنین جلوگیری از دخالت ملت کرد در سرنوشت خود و یا در سوریه دولت از صدور شناسنامه برای کردها امتناع می‌ورزد و یا در ترکیه تا چند سال پیش ادعا می‌کردند که هیچ کردی در کشور ترکیه زندگی نمی‌کند بلکه آنان ترک‌های کوهی هستند.

در هر حال، ملت کرد مانع رسیدن ترکیه به جغرافیای کاملاً ترکی بوده است و در عراق هم اعراب به وجود ملتی کاملاً متفاوت اقرار نکرده‌اند مگر بعد از پروژه‌ای که آمریکا برای پیاده کردن دموکراسی در خاورمیانه آغاز کرده است، حتی اکنون هم بر سر عربی بودن شهر کرکوک اصرار دارند.

اگر از دید کنش‌گر بودن به پرخاشگری بپردازیم باید از سرکوب تاریخی و پی در پی شورش و مقاومت‌های کردی صحبت کنیم. پرخاشگری در این تبیین نتیجه‌ی تداوم موفقیت آمیز و سرکوب و قتل و کشتار مخالفان دولت‌های منطقه می‌باشد. قیام شیخ سعید پیران با پرخاشگری سرکوب شد، جمهوری مهاباد با پرخاشگری حکومت وقت سرکوب شد. همچنین بسیاری از حرکات دیگر ملت کرد، در نتیجه دولتهای مذکور به این باور رسیده‌اند که با پرخاشگری می‌توان مسئله ملت کرد را حل کرد.

از دیدگاه مشاهده‌ای بودن پدیده‌ی پرخاشگری، کشورهای منطقه الگو هم بوده‌اند. ترکیه تجربه خود را در اختیار سوریه قرار می‌دهد، سوریه هم الگوی برخورد خود با ملت کرد را به کشوری دیگر آموزش می‌دهد، و یا هر از چند گاهی کشورهای منطقه به صورت آشکار و پنهان در کشورهای دیگر تشکیل جلسه می‌دهند و بر سر مسئله کرد به بحث و گفتگو می‌نشینند، تمام این اعمال نشانگر یادگیری مشاهده‌ای (سرمشق‌گیری) پرخاشگری می‌باشد.

پرخاشگری و تقویت

هنگامی که ملتی به هر دلیل موجه یا غیرموجه در مقابل قوم یا ملتی دیگر دست به پرخاشگری می‌زند، پس از موفقیت‌های مقطعی یا دائمی تقویت یا پاداش دریافت می‌کنند که عموماً به سه صورت می‌تواند انجام شود:

الف) تقویت مستقیم: مانند تشویق شفاهی نظامیان و دادن پاداش مادی به آنان، گرفتن مدال از دست افسران و یا اعطای چندین روز مرخصی در کشور ترکیه به سربازان در برابر سر بریده‌ی یک پیش مرگ‌گرد.

ب) تقویت مشاهده‌ای: نظامیانی که مدال یا تشویقی دریافت نکرده‌اند با مشاهده‌ی مدال گرفتن یا تقویت شدن دیگر نظامیان تقویت می‌شوند مانند تجلیل و مدال دادن به افسران سرکوب‌گر ترکیه .

ج) تقویت خودتدبیری: خود به خود پاداش دادن و لذت بردن از کار خود مانند عکس گرفتن سربازان در کنار کشته‌شدگان حزب PKK سابق و یا فیلم یادگاری گرفتن از چگونگی مجازات و شکنجه‌ی زندانیان (ابوغریب).

نتیجه‌گیری

در پایان باید اقرار کرد که حل مسأله‌ی کرد در خاورمیانه به روش پرخاشگرانه غیرممکن است. از سویی ادامه‌ی این نوع رفتار نه تنها نتیجه‌ی مطلوبی برای دولت‌های منطقه ندارد بلکه موجب پرورش و تربیت شخصیت جامعه‌ستیز در میان مردم می‌شود، شخصیتی که با ویژگی‌های فاقد حس مسئولیت انسانی، فاقد درک اخلاقی، بی‌توجهی به دیگران، رفتار زیر سلطه‌ی نیازهای خود، فاقد وجدان، رفتار تکانشی (بدون تصمیم‌گیری درست و اطمینان به صحیح بودن رفتار کردن و عمل کردن)، عدم تحمل ناکامی، خودمدار بودن به جای انسان‌مدار بودن، مشخص می‌شود و از سوی دیگر این پروژه (پرخاشگری) موجب بی‌اعتمادی ملت کرد نسبت به ملت‌های دیگر در خاورمیانه می‌شود تا جایی که نمی‌توانند به صورت عملی خود را بخشی از کشورهای منطقه بدانند و همیشه خود را ملتی متفاوت خواهند دید.

منابع

- ۱- اسربر (آرتور)، «فرهنگ روانشناسی» تهران، نشر رشد، ۱۳۷۸
- ۲- اروستون (الیوت)، «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه: حسین شکرکن، تهران، نشر رشد، ۱۳۷۷
- ۳- بدار (لوک)، لامارش (ژوزه دزیلو لوک)، «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه: حمزه گنجی، تهران، نشر ساوان - ۱۳۸۵
- ۴- بنسون (تایچل)، «روانشناسی»، ترجمه: نورالدین رحمانیان، تهران، نشر شیرازه ۱۳۸۰
- ۵- کریمی (یوسف)، «روانشناسی اجتماعی»، تهران، نشر پیام‌نور، چاپ دهم، ۱۳۷۷
- ۶- کریمی (یوسف)، «روانشناسی شخصیت» تهران، نشر پیام‌نور، ۱۳۷۶
- ۷- هیلگارد (یتا - ل) و اتکینسون، «روانشناسی عمومی»، ترجمه: براهنی و دیگران، تهران، نشر رشد، چاپ هشتم ۱۳۷۸